

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شعر از: هیلا صدیقی



"کلاس درس خالی مانده از تو"

هوا بارانی است و فصل پاییز
گلوی آسمان از بغض لبریز
به سجده آمده ابری که انگار
شده از داغ تابستانه سر ریز
هوای مدرسه بوی الفباء
صدای زنگ اول محکم و تیز
جزای خنده های بی مجوز
و شادیهها و تفریحات ناچیز
برای نوجوانی های ما بود
فرود خشم و تهمت های یکریز
رسیده اول مهر و درونم
پر است از لحظه های خاطرانگیز
کلاس درس خالی مانده از تو
من و گللهای پژمرده سرمیز
هوا پاییزی و بارانی ام من
درون خشم خود زندانی ام من
چه فردای خوشی را خواب دیدیم
تمام نقشه ها بر آب دیدیم
چه دورانی چه رویای عبوری

چه جستن ها به دنبال ظهوری
من و تو نسل بی پرواز بودیم
اسیر پنجه های باز بودیم
همان بازی که با تیغ سر انگشت
به پیش چشمهای من تو را کشت
تمام آرزو ها را فنا کرد
دو دست دوستان را جدا کرد
تو جام شوکران را سر کشیدی
به ناگه از کنارم پر کشیدی
به دانه دانه اشک مادرانه
به آن اندیشه های جاودانه
به قطره قطره خون عشق سوگند
به سوز سینه های مانده در بند
دلم صد پاره شد بر خاک افتاد
به قلبم از غمت صد چاک افتاد
بگو بگو آنجا که رفتی شاد هستی
در آن سوی حیات آزاد هستی
هوای نوجوانی خاطرت هست
هنوزم عشق میهن در سرت هست
بگو آنجا که رفتی هرزه ای نیست
تیر تقدیر سرو و سبزه ای نیست
کسی دزد شعورت نیست آنجا
تجاوز به غرورت نیست آنجا
خبر از گورهای بی نشان هست
صدای ضجه های مادران هست
بخوان همدرد من هم نسل و همراه
بخوان شعر مرا با حسرت و آه
دوباره اول مهر است و پاییز
گلوی آسمان از بغض لبریز
من و میزی که خالی مانده از تو
و گلهایی که پژمرده سر میز